

آوار شده، تمرکز کرد. به نظر می‌رسد سناریوی نخست، سناریوی مطلوب ایران است. اما تصور می‌شود ارزیابی علی لاریجانی در دیدار با مقامات کشورهای منطقه این بوده که از این طرح دفاع نخواهند کرد زیرا نه عراق تمایل دارد که این کشور محل درگیری بین ایران و آمریکا و اسرائیل شود و نه لبنان به دنبال تحریک اسرائیل برای حمله به حاکمیت این کشور است. در عین حال نیروهای جهادی نیز از توان سابق برخوردار نیستند.

سناریوی سوم بدترین سناریو برای ایران است زیرا اعتبار ایران به عنوان مرکز و قطب محور مقاومت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این منظر نیروهای جهادی وجه‌المصالحه امنیت ملی کشور قرار گرفته است و حتی بالاتر این که پرسش‌های مهمی در مورد اصل این راهبرد مطرح خواهد کرد.

به چند دلیل بهترین سناریو ممکن و قابل اجرا و عملی سناریوی دوم است:

۱- تلاش می‌شود تا جلوی موتور جنگی اسرائیل گرفته شود و مفری برای مردم غزه فراهم گردد.

۲- به نظر می‌رسد که همزمان با تهران، واشنگتن نیز در

چار چوب سیاست فشار حداکثری و ساختن بنایی تازه بر توفیق‌های نظامی اسرائیل در دو سال گذشته، تلاش می‌کند تا با نفوذ گروه‌های متحد ایران در منطقه مقابله کند. این سیاست را به وضوح می‌توان در لبنان مشاهده کرد؛ جایی که تام باراک فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در امور سوریه و لبنان وقتی در مورد اهداف آمریکا از تسلیح ارتش لبنان سوال شد، گفت: «هدف ما این است که با مردم خودشان بجنگند، هدف ما حزب‌الله است، هدف ما ایران است.» این اظهارنظر صریح فرستاده رئیس‌جمهور آمریکا نشان می‌دهد که واشنگتن به صورت جدی وارد فرآیند تلاش برای کاهش نفوذ ایران در منطقه شده است. رویکرد آمریکا باعث خواهد شد تا تلاش‌های ایران برای بازسازی اهرم‌های قدرت و نفوذ خود در منطقه با چالش بیشتری مواجه شود.

پایگاه خبری مدرن دیپلماسی در تحلیلی از رقابت ایران و آمریکا در منطقه می‌نویسد: «رویکرد نمایشی و غافلگیرکننده ترامپ در دیپلماسی همواره پوششی برای حرکات استراتژیک عمیق‌تر است. ادعای او درباره وقوع یک رویداد خاورمیانه‌ای که همه چیز را تغییر خواهد داد چیزی بیش از یک نمایش نیست، اما تجربه نشان می‌دهد که چنین تهدیداتی پیش‌درآمد تغییرات واقعی در سیاست آمریکا در منطقه است.» به گزارش ایرنا در ادامه این مطلب آمده‌است: «مخاطرات» در منطقه بالاست. یک اشتباه محاسباتی می‌تواند جنگی

اسلامی در قطر، هرچند با شدیدترین لحن حمله اسرائیل به قطر محکوم شد، اما به‌رغم اینکه هیئت ایرانی در این نشست حاضر بود، اما در بیانیه پایانی هیچ اشاره‌ای به تجاوز نظامی اسرائیل و آمریکا به ایران نشد.

**«اندکی کمتر از سه سال از عادی‌سازی روابط ایران و عربستان سعودی می‌گذرد. به نظر می‌رسد در طول این مدت به‌رغم تلاش‌هایی که از طرف ایران انجام شد، هنوز زمینه‌ای برای همکاری مشترک میان تهران و ریاض ایجاد نشده‌است و توسعه روابط بسیار کند است. فکر می‌کنید**

**دلیل این موضوع چیست؟**

مسائل متعددی وجود دارد. عربستان سیاست‌های خودش را در قبال مسائل منطقه، ایران و روابط بین‌المللی دارد. مواضع عربستان در خصوص مسائل مستقیم مورد اختلاف با ایران مانند میدان نفتی آرش یا جزایر سه‌گانه، هیچ تغییری در رویکرد خودش بعد از عادی‌سازی روابط نشان نداده است. نباید فراموش کرد که عربستان سعودی هم‌پیمان نظامی آمریکا است و بیشترین روابط تجاری خود را با آمریکا دارد. نخستین سفر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به خارج از کشور به عربستان سعودی انجام شد، همین ماجرا را ما در دوره نخست ریاست جمهوری دونالد ترامپ هم شاهد بودیم.

آنچه باید در مورد تصمیم عربستان سعودی برای عادی‌سازی روابط با ایران مورد توجه قرار دهیم این است که عربستان دلایل و انگیزه‌های خودش را از این تصمیم دارد. عربستان سعودی اهداف و جeah طلبی‌های بزرگ اقتصادی دارد و برای رسیدن به این اهداف علاقه‌مند است که تنش‌ها را در منطقه کاهش دهد. در نتیجه نباید برداشت ما از تصمیم عربستان برای عادی‌سازی روابط با تهران این باشد که عربستان سعودی به سمت تهران بازگشته است، بلکه به نوعی تلاش کرده‌است که ریسک‌ها و مخاطرات متوجه عربستان سعودی

**۲-**

کشورها از بین می‌رود.

**۳-**

مقاومت در ساختار ملی نهادینه خواهد شد و امکان تعرض سرزمینی اسرائیل به کشورهای منطقه کاهش می‌یابد.

۴-

حمایت کشورهای منطقه را در پی دارد و سازوکار منطقه‌ای قابل اتکاتری برای ایجاد صلح در آینده ایجاد خواهد کرد. این موضوع به‌واسطه حمله اسرائیل به قطر بهتر قابل توجیه است و در بخشی از صحبت‌های دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور در منطقه هم آمده بود.

در نهایت انتخاب سناریوی دوم مهمترین مزیت آن این است که نیروهای مقاومت در منطقه را به شکل جدید علیه هدف محوری مقاومت حفظ خواهد کرد اما اصرار بر حفظ مقاومت به شکل کنونی ممکن است نیروهای مقاومت را به نیروهای مقاومت در داخل این کشورها بدل کند و به جای مشروعیت‌بخشی به تلاش نیروهای مقاومت در برابر متجاوز منطقه‌ای، باعث افزایش اختلافات داخلی بین آمریکا و ایران را با اثرات زنجیره‌ای بر بازارهای جهانی انرژی به راه اندازد. در عین حال، تلاش‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس برای برقراری موازنه بین واشنگتن و یکن روزه‌روز دشوارتر خواهد شد. در نهایت، خلیج فارس دیگر سکوی بی‌جان رقابت قدرت‌های بزرگ نیست. انتخاب‌های آن از همسویی تا موازنه با پیگیری خودمختاری نه‌تنها ثبات منطقه‌ای بلکه آینده حاکمیت جهانی انرژی و فناوری را شکل خواهد داد. به این ترتیب، قمار ترامپ ممکن است واقعاً همه چیز را تغییر دهد اما اینکه آیا خاورمیانه را تثبیت یا بی‌ثبات می‌کند، به همان اندازه به کنشگری کشورهای خلیج فارس بستگی دارد که به اراده آمریکا.»

۵-

۶-

۷-

۸-

۹-

۱۰-

۱۱-

۱۲-

۱۳-

۱۴-

۱۵-

۱۶-

۱۷-

۱۸-

۱۹-

۲۰-

۲۱-

۲۲-

۲۳-

۲۴-

۲۵-

۲۶-

۲۷-

۲۸-

۲۹-

۳۰-

۳۱-

۳۲-

۳۳-

۳۴-

۳۵-

۳۶-

۳۷-

۳۸-

۳۹-

۴۰-

۴۱-

۴۲-

۴۳-

۴۴-

۴۵-

۴۶-

۴۷-

۴۸-

۴۹-

۵۰-

۵۱-

۵۲-

۵۳-

۵۴-

۵۵-

۵۶-

۵۷-

۵۸-

۵۹-

۶۰-

۶۱-

۶۲-

۶۳-

۶۴-

۶۵-

۶۶-

۶۷-

۶۸-

۶۹-

۷۰-

۷۱-

۷۲-

۷۳-

۷۴-

۷۵-

۷۶-

۷۷-

۷۸-

۷۹-

۸۰-

۸۱-

۸۲-

۸۳-

۸۴-

۸۵-

۸۶-

۸۷-

۸۸-

۸۹-

۹۰-

۹۱-

۹۲-

۹۳-

۹۴-

۹۵-

۹۶-

۹۷-

۹۸-

۹۹-

۱۰۰-

۱۰۱-

۱۰۲-

۱۰۳-

۱۰۴-

۱۰۵-

۱۰۶-

۱۰۷-

۱۰۸-

۱۰۹-

۱۱۰-

۱۱۱-

۱۱۲-

۱۱۳-

۱۱۴-

۱۱۵-

۱۱۶-

۱۱۷-

۱۱۸-

۱۱۹-

۱۲۰-

۱۲۱-

۱۲۲-

۱۲۳-

۱۲۴-

۱۲۵-

۱۲۶-

۱۲۷-

۱۲۸-

۱۲۹-

۱۳۰-

۱۳۱-

۱۳۲-

۱۳۳-

۱۳۴-

۱۳۵-

۱۳۶-

۱۳۷-

۱۳۸-

۱۳۹-

۱۴۰-

۱۴۱-

۱۴۲-

۱۴۳-

۱۴۴-

۱۴۵-

۱۴۶-

۱۴۷-

۱۴۸-

۱۴۹-

۱۵۰-

۱۵۱-

۱۵۲-

۱۵۳-

۱۵۴-

۱۵۵-

۱۵۶-

۱۵۷-

۱۵۸-

۱۵۹-

۱۶۰-

۱۶۱-

۱۶۲-

۱۶۳-

۱۶۴-

۱۶۵-

۱۶۶-

۱۶۷-

۱۶۸-

۱۶۹-

۱۷۰-

۱۷۱-

۱۷۲-

۱۷۳-

۱۷۴-

۱۷۵-

۱۷۶-

۱۷۷-

۱۷۸-

۱۷۹-

۱۸۰-

۱۸۱-

۱۸۲-

۱۸۳-

۱۸۴-

۱۸۵-

۱۸۶-

۱۸۷-

۱۸۸-

۱۸۹-

۱۹۰-

۱۹۱-

۱۹۲-

۱۹۳-

۱۹۴-

۱۹۵-

۱۹۶-

۱۹۷-

۱۹۸-

۱۹۹-

۲۰۰-

۲۰۱-

۲۰۲-

۲۰۳-

۲۰۴-

۲۰۵-

۲۰۶-

۲۰۷-

۲۰۸-

۲۰۹-

۲۱۰-

۲۱۱-

۲۱۲-

۲۱۳-

۲۱۴-

۲۱۵-

۲۱۶-

۲۱۷-

۲۱۸-

۲۱۹-

۲۲۰-

۲۲۱-

۲۲۲-

۲۲۳-

۲۲۴-

۲۲۵-

۲۲۶-

۲۲۷-

۲۲۸-

۲۲۹-

۲۳۰-

۲۳۱-

۲۳۲-

۲۳۳-

۲۳۴-

۲۳۵-

۲۳۶-

۲۳۷-

۲۳۸-

۲۳۹-

۲۴۰-

۲۴۱-

۲۴۲-

۲۴۳-

۲۴۴-